بسمه‌تعالی

مصاحبه شونده: آقای دکتر حمزه مدیر دبستان شهدای مرصاد منطقه 5

سابقه‌ی مدیریت: 23 سال رشته‌ و مقطع تحصیلی: مشاوره سابقه‌ی حضور در آموزش و پرورش: 24 سال تاریخ مصاحبه: /1401 محل مصاحبه:

پژوهشگر: چطور شد که مدیر شدید؟

به پیشنهاد همکاران و دوستان که تشخیص دادند در بعد مدیریتی می تونم کار کنم معرفی کردند و اداره هم همکاری کرد و رفتیم به این سمت.

رشته ی تحصیلی؟

مدیریت آموزشی.

کدام دانشگاه تدریس می کنید؟

فرهنگیان و پردیس مفتح، دانشگاه شهر قدس، پیامبر اعظم. دانشگاه علامه

چه دروسی تدریس می کنید؟

از شاخه های رشته ی مدیریت است دیگه. روش های تدریس. با بچه های مدیریت بازرگانی رفتارسازمانی کار میکنم.

تعریفتان از محیط یادگیری چیست؟

اول بگیم تعریف یادگیری رو. تغییر نسبتا پایدار بر اثر تجربه است دیگه. هر تغییری جزو یادگیری محسوب نمیشه. اون تغییری جزو یادگیری محسوب میشه که ما بتونیم حتما پایداری رو درش بوجود بیاریم. یعنی بعد از خروج از محیط یادگیری، دانش آموز یا آموزنده یا فراگیرنده تغییری رویش بوجود آمده باشه که ادامه ی کار رو انجام بده. اگه این امر صورت نگیره یادگیری صورت نگرفته. من تعریفم از یادگیری این بود. حالا شما بنا به حیطه ها، حیطه های یادگیری داریم، حیطه شناختی، روانی حرکتی و حیطه ی عاطفی. در هر حیطه ای ما باید سطح هایی که میخواهیم رو بهش برسیم. معمولا ما در بحث آموزشی پرورشی و بحث های ساختاری سیستم خودمون بیشتر سطح اول و شناختی رو دسترسی پیدا می کنیم. به سطوح بالاتر که شش سطحه و آخریش ارزشیابیه متاسفانه منجر نمیشه یادگیریهامون.

در دوره ی ابتدایی می گوئید یا همه؟

همه ی دوره ها

در حیطه ی شناختی ما میگیم اولین سطح دانشه بعد درک و فهمه بعد تجزیه و تحلیل و بعد ترکیب و ارزشیابی که ششمین سطحه، شما اگر در همه ی پایه ها برید بعد از درسی که معلم میگه ببینید دانش آموز به اون سطح واقعا رسیده یا نه. وقتی یادگیری فقط در سطح حفظیاته یعنی اون موارد نیست بیشتر فقط طوطی وار حفظ میکند.

یعنی شما محیطی رو برای یادگیری مناسب می دونید که بتونه تمام اون حیطه ها رو به سطح ششم برسونه؟

بله.

الان می فرمائید ما در فضای فعلی چنین شرایطی رو نداریم. فکر میکنید چه شرایطی باید باشه تا چنین فضایی ایجاد بشه؟

ما در بحث شرایط عوامل متعددی داریم. یک تشخیص نیاز دانش آموز. کارشناسی نظر متخصصین این امر، آموزش نیروی انسانی و داشتن منابع و امکانات لازم برای آموزشهایی که می خواهیم.

به طور خاص در مورد مدرسه ی شما ضعف در کدام بخش هست؟

آموزش نیروی انسانی

یعنی سایر موارد وجود داره؟ مثلا نیاز دانش آموز تشخیص داده شده؟

ببینید ما نیاز دانش آموز خودش یکی از سرشاخه های مهم است که ببینیم بنا به نیاز امروزی جامعه کتاب ما تالیف میشه یا نه، نیاز دانش آموز رو تامین میکنه یا نه. اون خیلی کلانتره و بالاتره سطحش، نمیتونیم زیاد در اون قضیه ورود کنیم. اما اولین و در دسترس ترین چیزی که وجود داره همین بخش سوم، آموزش نیروی انسانیه که متاسفانه یکی از چالش هایی که الان در آموزش و پرورش وجود داره و گپ خیلی بزرگ نیروی انسانیه. نیروهایی جذب میشن که توان کارکردن با بچه ها رو ندارن، آموزش دیده نیستن و خیلیهاشون وقتی وارد آموزش و پرورش میسن آمال و آرزوها و نگاهشون خیلی متفاوته با واقعیت.

شما خودتون در طراحی فضا چقدر نقشتون رو پررنگ می بینید؟

نمیدونم تعریف شما در حال حاضر از سواد چیه. آخرین تعریف آموزش مهارتهاست. یک شهروند جهانی شهروندیست که آموزش های مهارتی رو ببینه که بر اساس هوشهای نه گانه ی گاردنره. این نه تا رو باید در مدارس جا بندازیم. متاسفانه با توجه به اینکه ما سیستمون بسیار متمرکزه و اجازه ی خیلی از کارها رو به مدارس آموزشی نمیده و مجوزش رو ما نداریم. خیلی از این ها رو ما نمیتونیم داشته باشیم و باید بسنده کنیم به دستورالعمل ها و بخشنامه ها. یکی از مشکلاتمون این هست که باید به بخشنامه ها عمل کنیم و خلاقیتمون کمه و دسترسی به فضایی که بتونیم خلاقیت داشته باشیم نیست.

مثال میزنید جایی رو که خواستید و نشده؟

نگیم بهتره.

بحث مهارت آموزش یکی از هوشهایی که باید آموزش داده بشه هوش موسیقیه. یک فضا و مربی باید باشه. هر سه سطح رو در بچه ها درگیر میکنه اما مجوزی برای این کار رو نداریم. ...(دقیقه ی دهم، توضیح این بخش) و توان انجامش را هم نداریم. داشته باشیم هم انقدر درگیر مجوزها می شویم که مدیرها ورود نمی کنند.

از حرفهای شما این طور می فهمم که محتوا رو مهم تر از فضا می دونید در آموزش بچه ها؟

صد در صد

یعنی فضا، چیدمان، مبلمان و ... را خیلی مهم نمیدونید. برداشتم این هست

شاداب سازی فضای آموزشی مخصوصا در مقطع ابتدایی مهم هست. چون ما باید یک محیطی را فراهم کنیم که بچه ها اونجا احساس راحتی کنند و حس لذت باعث افزایش دوچندان یادگیری میشه. بی تاثیر نیست مطمئنا، یکی از شاخص های مهم آموزش ،فضای فیزیکی هست. اگر ما بتونیم فضای فیزیکی رو از اونت حالت بی روح مدرسه ای و خشک نیمکت و کلاس خارج کنیم مطمئنم تاثیر بسزایی روی یادگیری بچه ها داره. این هم بستگی به دسترسی به بخش هایی رو نیاز داره که ما باید 1. دسترسی بهش داشته باشیم امکانات مدرسه ای طوری فراهم بشه که بتونیم این کار رو انجام بدیم.

برای کاری که به نظر من مدیر در بحث فضا مهمه، خود استفاده از گیاهان و شاداب سازی فضاست. دقت کرده باشید ما در ورودی مدرسه گلدونهای مختلف گذاشتیم که بچه ها احساس کنند ما در یک محیط آرومی دارند وارد مدرسه می شوند. یا مثلا سرویس بهداشتی رو من ساختم سال گذشته، اولیا می گفتند یه چیز معمولی باشه که بچه ها استفاده کنند. من گفتم وقتی بچه امکانات خوبی در مدرسه داشته باشه خود دیدن این امکانات انرژی مثبت و خوبی به بچه انتقال میده. پس باید روی تک تک این مسائل ما دقت کنیم. فاککتورهایی که مدرسه را ببرد به سمت یک مدرسه ی استاندارد، از لحاظ کیفیت کلاسها، کیفیت گرمایشی، سرمایشی، نور کلاسها، رنگ کلاسها، همه ی اینها بنا به تحقیقاتی که روی دانش آموزان انجام دادند و یادگیری انسانها و محیطی که محیط آروم رو برای بچه ها فراهم میکنه موثره. من هم نگاهم به این قضیه مثبته. بنا به بضاعتی که توی مدرسه داریم سعی می کنیم مدرسه رو به این سمت ببریم. من خودم از سرویس بهداشتی مدرسه شروع کردم، سعی کردم که واقعا سنگ تموم بذارم روی این قضیه برای بچه ها. خود استفاده از آینه کاری توی سرویس بهداشتی برای بچه ها ، استفاده از آب گرم و اآب سرد. بحث ورزش بچه ها، یکی از راهکارهایی که مدیرها در نظم دهی بچه ها نمی بینند بحث ورزش بچه هاست. ورزش اولین روزنه ایه که بچه ها به سمت کارگروهی و دسته جمعی هدایت میشن. کار تیمی انجام بدن، هم گروهی خودش رو با خودش بکشه جلو، هم گروهیش رو تشویق کنه، با گروه ناراحت بشه، با گروه شاد بشه. اولین کاری که کردیم وسایل ورزشی بچه ها رو شروع به تکمیل کردن کردیم. زمین چمن مدرسه رو، تیر دروازه هامون رو، والیبال رو، اینها رو تکمیل کردیم و متاسفانه یکی از سیاستهای اشتباه آموزش و پرورش اینه که میگه مقطع ابتدایی معلم ورزش نمیخواد و نمیدن بهمون. اما خودم به شخصه ایستادم به جذب معلم ورزش. حق الزحمه میدم ولی شما باید حضور پیدا کنی. وقتی بچه در ساعت ورزش شکل میگیره صاف می ایسته پشت سر هم می ایسته، کارگروهی انجام میده، نظم پیدا میکنه این نظم به کلاس هم انتقال پیدا میکنه. یعنی یکی از روزنه های اصلی تکمیل کردن و چیدمان منظم اسباب ورزشی بچه هاست و به نظرم یکی از شاخصهایی که مدرسه رو باید برای بچه ها لذت بخش کنه مدرسه است. مخصوصا پسرها مزمئنم در دخترها هم این هست، یکی از زنگ هایی که بچه ها علاقمند هستند زنگ ورزش است، چون باهم لذت می برند با هم شاد میشن با همغمگین میشن و کارگروهی هم افزایی بوجود میاره و این سینرژی در زنگ ورزش بیشتر از سایر زنگ هاست. این بحث ورزشیه، در بحث آموزشی در انواع حیطه های آموزش ما سه حیطه داریم. حیطه ی تدریس مستقیم، متاسفانه اکثر مدارس تدریس مستقیمند، حیطه ی دوم حیطه ی تعاملی و حیطه ی سوم حیطه ی مساله محور. بیشتر سکان ما در حیطه ی اول است. اما بیشتر معلم ها بنا به بضاعت و امکانات حیطه ی اول رو انتخاب می کنند. معلم نقش اصلی رو داره و فقط دانش آموزها تماشاگرند یعنی هیچ تاثیری روی کلاسها ندارند. این هم خودش ابزارها(18:10)یعنی معلم متکلم وحده است. خودش ابزار و امکانات متفاوت توش دخیله ها . اولینش اینه که تراکم بیش از اندازه کلاس جلوگیری میکنه که معلم از حیطه انتقال مستقیم بره سمت تعاریف که نمیتونه اگه بخواد بیاد از همه بچه ها پرسش و پاسخ انجام بده کار های مختلف تعاملی انجام بده نمیرسه 40 تا دانش آموز تو یه کلاسه و استاندارد کلاسی رعایت نمیشه معلم نمیتونه. بحث رو از تدریس انتقال مستقیم ببره به سما تدریس فعال. بحث دوم خود معلم ها هستن. معلم های قدیمی ما معلم های ایده الی هستن و همه توانا هستن و دوره دیده و اکثرا تو تربیت معلم کار کردن و میتونن اینکارو بکنن ولی معلم هایی که جدیدا اومدن واقعا ناکارامد هستن و خیلی از کارهای آموزشی که باید انجام بدن رو بلد نیستن و اکثرا با همون انتقال مستقیم میرن جلو.

بحث فضای فیزیک مدرسه؟

خود همکارهام بعضی هاشون واقعا خلاقین. بحث دیگه ای هم که ما بتونیم توش کاری انجام بدیم بحث رنگ امیزی مدرسه و کلاس هاست. خیلی مهمه. رنگ آمیزی حیاط و مدرسه و دیوار های مدارس ، یکی از فضاهایی هست که خیلی روش میشه روش کار کرد و دینمیشه. ببین ما تو بحث بازی و حرکتی از حیاط مدارس میتونیم استفاده کنیم و انواع بازی هایی که میتونیم بازی های محلی که وجود داره تا بچه ها استفاده کنیم باید حتما شروع سال بعد حتما تو حیاط مدرسه یه سری از این جدول هایی هستن که لیلی بازی میکردن قبلا ، ما سه تا چیز میکشیم که با یه پا حرکت میکردن چهارمی با دو پا و پنجمی یک پا این هم عصب و عضله رو درگیر میکنه و هم ذهن رو درگیر میکنه و هم مهارت بچه هارو درگیر میکنه و یکی از مشکلاتی که بچه ها در حال حاضر تو خونه ها دارن اینه که حرکت فیزیکی ندارن و یکی از کارهایی که ما مدارس باید انجام بدیم اینه که حرکت بچه هارو بالا ببریم یعنی همراه با یادگیری حرکت جسم و حرکت فیزیکی رو تو مدرسه بالا ببریم.دو تا سه تا از کارهایی که میتونیم تو حیاط انجام بدیم کشیدن انواع بازی های حرکتی که بچه ها بتونن انجام بدن. یکیش لی لی و یکی بازی های مارپله ای که تو حیاط میتونن بازی کنن و جدول ضرب هایی که بتونن بکشن. بعد خط کشی که برای بازی های دستی رو دیوار میکشیدیم مثلا خودشون توپ میزاشتیم و بچه ها با توپ میزدن به دیوار و اینا هم خودشون یکی از مهارت آموزی هایی که جدید ما باید انجام بدیم اینه که یادگیری رو با بازی درگیر کنیم یعنی یادگیری در حین بازی بهترین نوع یادگیری و مهارت آموزی برای بچه هاست و بچه ناخودآگاه اون یادگیری براش صورت میگیره . یعنی وسط بازی که بازی میکنه خودش خبر نداره ما به اون امری از اون یادگیری میرسیم که هدفمونه و بچه ناخواسته همراه با لذتی که میبره یاد هم میگیره و اگه ما بتونیم مدارس رو این سمت ببریم که از آموزش صرف که الان متاسفانه هم نگاه جامعه و هم نگاه معلم ها فقط حفظ کردنه یعنی هیچ اهمیتی به بچه و فضای فیزیک که الان شما فکر کنم نوک پیکان رو اون سمت گرفتید ندارن یعنی معلم فقط دنبال اینه که بچه بیاد بشینه یه درسی بهش داده بشه ازش امتحان گرفته باشه ، تو خوبی و تو بدی . نگاه خط کشی فقط. اگه ما بتونیم فضا رو از این حالت آموزشی صرف فقط دو دو تا چهارتایی در بیاریم و ببریم به سمت مهارت های دیگه و دخیل کردن آموزش با انواع بازی و ابزار های دیگه خیلی بهتر میشه

خب ما الان همون بحث انتقال مستقیم کردین و همچنین گفتین نگاه معلم و جامعه خیلی خط کشی شده و همون بحث انتقال مستقیمه دیگه. یه نکته ای که برام جالب بود تو صحبت هاتون این بود که معلم های قدیمی میتونن خودشون رو وفق بدن با اینکه بیان و حالا برن تعاملی هم کار بکنن ولی معلم های جدید نمیتونن. این جالب بود برام چون معمولن میگن اون معلم هایی که سنتی هستن تغییر واسشون سخته.

ببین ما بین بد و بدتر الان گیر کردیم.معلم های قدیم با اینکه خستن و من اگر امکانش باشه ببرم دو سه تا از معلم ها که سابقه دار و بازنشسته ان که بهشون کار دارن میدن رو معرفی کنن ببین چقدر خلاقانه دارن کار میکنن و بعد یه معلمی که تازه استخدام شده اصلا نمیتونه کلاس رو اداره کنه یعنی تو اداره کلاسش مشکل داره. معلم های ثابت که اونایی که سابقه دارن قبلا یه دوره های تربیت معلم بودن و 2 سال تا 4 سال میرفتن آموزش میدیدن، کارورزی میرفتن و نحوه کلاس داری رو میرفتن کنار یه استاد و معلمی که زبده بود یاد میگرفتن ولی تو معلم های جدید این امر صورت نمیگیره ، اگه مثلا بدون این که هیچ دوره ای دیده باشن مستقیم میان وارد آموزش و پرورش میشن. آزمون که باعث مهارت آموزی نمیشه شما وقتی میری چیزی رو مطالعه میکنی و با اینکه بری با پوست و استخونت تجربه کنی خیلی متفاوته.

ارزیابیشون چطوریه.

هیچی میرن یه آزمونی میدن چون من جزو اون مصاحبه‌گرها بودم خیلی هاشون اصلا برام قابل فهم نبود ورود اینها به آموزش و پرورش چه توجیهی داره. من از دانشجویی که مهارت اموزی اومده بود ازمون داده بود میپرسم که برای چی اومدی؟ میگه اره من به چند تا از بچه های محله مون درس دادم گفتم بیام. اینکه حرف نمیشه. شما چند تا مثلا روش تدریس بگو.نحوه یادگیری بگو.

هیچی بلد نبود.

اره خیلی سطح معلمی رو پایین گرفتن.

به نظر من اگه سطوح اون معلمی که استخدام میشه خوب باشه و ادم های باهوش بیاد.

من خیلی هاشون که نگاه میکردم اصلا ضریب هوشی اونهایی که استخدام میشن پایین بود. یعنی شما هم باید هوش اجتماعی بالایی داشته باشی و هم هوش ریاضی بالایی داشته باشی و هم نحوه تدریس بلد باشی هیچکدوم بلد نبودن متاسفانه و این به آموزش لطمه میزنه و من خودمم هم یکی از همین معلم هارو دارم و بنابر اجبار بهم تحمیل کردن و این بنده خدا رفته بود تدریس کرده بود و نتونسته بود تدریس کنه و بعد به ما ارجاع داده بودن. الان که اومده برای ما هم چالش به وجود اورده و نحوه ارتباطی بلد نیست چون یکی از گزینه های خیلی مهم و کلیدی تو تدریس هست. شما اگه نتونی ارتباط بگیری تو کلاس تدریس هم نمیتونی بکنی .

و نمیتونه با بچه ارتباط بگیره و با اولیا ارتباط بگیره و به خاطر همین هم نمیتونه تدریس بکنه یکی از تفاوت های بین انسان های عادی و معلم ها وجود داره اینه که معلم ها خیلی سریع ارتباط میگیرن و راه ارتباط بلدن ولی مهارت آموز هیچکدومشون راه ارتباط یاد ندادن بهشون و انواع چیدمان کلاس هم معلم ها وقتی میره آموزش میبینه بلده. یعنی چیدمان مسئله محوره کلاس . اگه انتقال مستقیم سخنرانی اگه بحث پرسش و پاسخی هست شما خودت محور وایمیسی و بچه هارو به صورت دایره میچینی بعد همرو به صورت بارش فکری نظر میگن

یه بار هست انتقال مستقیم صحبت هست و شما بالا وایمیسید و بچه رو صندلی نشسته و متکلم وحده حرف میزنید.

بحث مسئله محوری گروه بندی کردن کلاس ها به صورت گروه گروه تقسیم میکنید و نیمکت و گروه گروه میزارید و این مهمه ولی متاسفانه خیلی ها اینارو بلد نیستن.

ولی با توجه به اینکه معلم ها میتونن که اینکارو بکنن یکی به خاطر تراکم بیش از اندازه و تعداد نمیتونن. فکر میکنید معماری مدرسه چقدر تاثیر داره؟

خیلی میتونه موثر باشه. ببینید ما در بحث سلسله مراتب مازلو رو ما میایم اولین چیزی که میگیم برای هر انسانی مهمه نیاز های فیزیولوکیژه شما بیای نیاز های فیزیولوژیک رو برطرف کنید یواش یواش میتونید برید سطوح بالاتر. در بحث آموزش هم اینه. شما اگه بتونی یه فضای فیزیکی بسیار خوب بسازی که بچه ها بتونن از اون لذت ببرن حتما آموزش و یادگیری بهتر خواهد بود چون بچه از اون فضا لذت میبره، دوست داره توی اون فضا باشه و فضا شاده و اگه بتونی امکانات صوتی خوبی داشته باشی و بتونی از انواع موسیقی ها و انواع سرود ها تو حیاط مدرسه استفاده کنی و فضای فیزیکی شاداب باشه و شما انواع آزمایشگاه ها رو داشته باشی و فضای کتاب خونه داشته باشی و فضای نماز خونه داشته باشی. اینا خودش میتونه تو انتقال ها و آموزش های متفاوت ازشون استفاده کنی ما اگه بتونیم فضای فیزیک آزمایشگاه داشته باشیم ما میتونیم بحث مسئله محوری رو تو خیلی از کارا ببریم بچه ها استفاده کنن. که متاسفانه محیط هایی که طراحی شده برای مدارس محیط های خشک و بیروحه به نظر من. یعنی محیط شادابی که باید به عنوان یه طراح در کنار مدیر آموزشی بشینی و نظر مدیر بپرسی. فقط اومدن یه ساختمون ساختن که چند تا کلاس توش تعبیه کردن ولی بقیه چیز هارو توش ندیدن که شما تو محیطی که داری میای حتما محیط آموزشی خوبی داشته باشی. نور گیر بودن کلاس ها جلوگیری میکنه از خیلی از استفاده از انرژی بی اندازه و خود نور گیر بودن کلاس باعث میشه که بچه ها لذت بیشتری ببرن.

ما به غیر از بحث آموزش بحث جسمانی هم برامون مهمه. یکی از کمبود هایی که متاسفانه ما داریم ویتامین د هست که بچه ها اکثرا تو جای سایه میشینن و آفتاب ندارن و همش تو سایه میشینن همش سرده جایی که میشینن. سیستم نور طبیعی مدرسه باید دیده شه. سیستم تهویه ی مدرسه باید دیده بشه. یکی از مشکلاتی که الان وجود داره تو عصر جدید یکی از مسائل ازار دهنده جامعه بحث ویروس هاست و انتقال آنها که حتما باید محیطی باشه که تهویه خوبی داشته باشه که متاسفانه ما نداریم که الان کلاس ها چهارچوب های بسته ای هست که نه تهویه هوا داره و نه کولری تعبیه میشه . سیستم گرمایشی خیلی از مدارس مشکل داره قدیمیه و موتورخونه ای هست و همش مشکل داره و رادیاتور ها اکثرا قدیمی هست. کلاسها سیستم گرمایشی ندارن. اگه محیط فیزیکی کلاس راحت نباشه بچه ها اگه سردشون بشه و فضای فیزیکی خوبی نداشته باشن ذهنشون سمت یادگیری نمیره.

فکر میکنید ایده هایی که مدیر میده بر چه مبناییه؟

اولا که مدیر هایی که ما داریم پشتیبانی خوبی از سمت اداره بشن چون ما همه چیزمون متمرکزه. اگه پشتیبانی بشن و اگه حمایت بشن مدیرها عملکرشون بهتر میشه اگه نشن و درگیر بوروکراسی باشن متاسفانه خیلی از مشکلاتی که ما الان داریم کاغذ بازی هست که وجود داره و اصلا فرصت نمیده که مدیر بشینه دنبال خلاقیت ها و فکرهای جدید باشه و همش در حال پاسخگویی به بالادسته. هست و اگه بشه که دست مدیر ها رو باز بذارن برای خلاقیت، وقتی شما یه مدیری رو منتسب می کنی برای مدرسه یعنی نماینده ی شماست توی اون سازمان، باید دستشون و اختیارشون باز باشه. بعد مدیرهایی هم که انتخاب میکنن باید مدیر های شایسته ای باشن مثلا الان خیلی از افرادی که الان اومدن مدیر شدن عملکردشون رو اصلا قبول ندارم. یک بحثش اینه که دوره های مدیریتی ندیدن و توانایی مدیریت ندارن و با ضابطه نیومدن مدیر بشن و تو بحث مدیریت ژاپنی یکی نحوه مدیریته که شما سلسلسه مراتبی برسی به مدیریت که ابتدا معلم بودی و معاون شده و چند سال معاونت کرده و انواع مراحل رو دیده مثلا ما بعضی از دوستان، شخصی بوده که معلم ورزش بوده و سابقه آنچنانی هم نداشته و کار معاونتی هم نداشته و کار اجرایی هم نکرده . یه دفعه مدیر شده. چقدر باید ما ضرر و زیان بدیم که تا اون بیاد تا این تجربه هایی که اون فرد باید تو پروسه های معلمی و معاونت و کار اجرایی کسب کنه بعد بشه مدیر و بشه مدیر زبده. وقتی شما معاونی حیطه ی کاری کمتره ولی مدیر که بشی حیطۀ کاری بیشتر ضرر و زیان بیشتری می زنه. خیلی هاشون ندارن خلاقیت رو چون تجربه هارو نداشتن و تو اون حیطه نبودن، ندارن . و اونایی هم که دارن دستشون بستس یعنی سازمان ها اونقدر اجازه بهشون نمین وگرنه شما اولین بحثی که تو بحث فیزیکی دارین منابع مالی هست. شما هر کاری فیزیکی که میخواید تو مدرسه انجام بدید باید منابع مالی داشته باشید. حداقل باید دو تومن داشته باشی.

منابع مالی هم در اختیار خود مدیران نیست . منابع مالی از بالا تامین میشه که اونم اکثرا خیلی کمه و بودجه هایی که میدن نمیشه تغییر و تحول ایجاد کرد

یا از منبع کمک های مردمی که از اولیا انجام میشه

ولی خب اگه مدیر با طراحی آموزشی اشنا باشه و بدونه که طراحی فیزیکی و آموزشی مدرسه خیلی میتونه دخیل باشه تو یادگیری بچه ها میتونه کارهای خیلی بزرگی انجام بده. بعد به صورت انگشت شماری این اتفاق میفته، یعنی سلایق شخصی تاثیر داره تو این اتفاقات یعنی شخصیه. همه‌گیر و فراگیر نیست این کارها. خیلی از مدیر هایی که توانایی دارن و آشنا به این اتفاقات هستن از این اتفاق ها تو مدارسشون میفته و فضای فیزیکی مدارس رو طراحی میکنن، تغییر میدن و اونایی که خیلی اشنایی ندارن همون روند رو میگیرن.

چه ویژگی‌هایی دارند این مدیران؟ بجز اینه تجربه دارن و آشنایی دارن؟

ادم های چند بعد ان.

اشنا به یادگیری هستن، طراحی آموزشی میدونن و فضای فیزیکی رو میفهمن. (37:44)

قائل به این قضیه هستند که فضای فیزیکی در آموزش دخیل است برای آموزش بچه‌ها

من قبل از شما پیش سرکار خانم سلیمانی بودم مدیر دبستان هیربد ایشون مثل اینکه حالا نمی‌دونم فکر میکنم بعدش رفته بودن یه جای دیگه یک سال پیش مدیر اینجا بودند یکی از تجربیاتشان این بود که اتاق مدیریت احساسات درست کرده بودند تو این مدرسه مثلاً به آرامش برسند حالا گفتن نمی‌دونم امسال هستیم یا نه ایشان ایده‌های این چنینی داشتند برای مدرسه می‌خواستم ببینم شما چیکار کردین وقتی اومدید این اتاق بود؟

متاسفانه با توجه به اینکه ظرفیت بچه‌ها زیاد شد اینجا و ما مجبور شدیم دوتا از سه تا کلاس رو حذف کنیم امسال آزمایشگاهمون حذف شد کتابخانمون حذف شد و تبدیل شد به کلاس شد. آدم دوست داره من خودم به این آزمایشگاه خیلی اعتقاد دارم به کتابخانه خیلی اعتقاد دارم ولی وقتی می‌بینی مراجعه کننده ۱۰۰ نفر ۲۰۰ نفر مراجعه کننده که رو هوا هستن و هیچ چاره‌ای نداری غیر از اینکه و اداره بهت هشدار میده که الا بلا باید درس داشته باشی کلاس داشته باشی می‌بینی تو این محیط غیر از مدرسه شما مدرسه دیگه‌ای وجود نداره که بچه های مردم برن ثبت نام کنند و غیر دولتیه خیلی‌ها بضاعت ندارند مجبوری این کارها رو بکنید مجبوری علی رغم میل باطنی تغییر کاربری بدیم ما مجبور شدیم آزمایشگاه رو جمع کنیم تبدیل کنیم به کلاس کتابخانه بالا هم جمع کردیم دوباره تبدیل کردیم باز به کلاس میگم اگر این امکانات باشه و دستمون باز باشه آره خوبه یعنی این اتاقی که خانم سلیمانی بعد در مورد سیاست‌ها تصمیمی که انجام میدیم باید زیردستات هم باهات همسو باشن خیلیاشون همراه نمی‌شن باهاتون همکاری نمی‌کنند مثلا اتاق آرامش دو سه سری با همکارایی که توی مدرسه صحبت کردم خودشون مایل به ادامه این روند نبودند بعد می‌گفتند که خانم سلیمانی که طراحی کرده بود انجام نشد خورد به کرونا و اینها که هیچ اتفاقی تو مدرسه نیافتد و نکردن این کارو و نگاهشون این بود که یه فضای فیزیکی اونجا افتاده نمیشه ازش استفاده کرد و همش بحث می‌کردند که اگر بشه و این فضای فیزیکی رو بدیم به معلما یه استراحتی اونجا بکنن کارایی بالاتر میره اینجور اتفاقات هست تو مدرسه

پس کامل جمع شده الان درست هست؟

آره تبدیلش کردیم به کلاس

حالا این کمبود جا که واقعاً خیلی هست توی هر مدرسه‌ای می‌رفتیم بعضیا می‌گفتن ما آزمایشگاه‌ها رو بردیم تو کلاس حالا یا وسایل رو گذاشته بودن تو کلاس یا کتابا رو شما که مجبور شدین کلاً اصل پایگاهشم جمع کنید چقدر از فضای کلاس‌ها برای این قضیه می‌تونین استفاده کنید؟

آزمایشگاه توی کلاس امکان‌پذیر نیست مگر اینکه یک معلم بیاد وسایلشو برداره ببره تو اونجا آزمایش انجام بده ولی خب ما کتابخانه‌ها را انتقال دادیم کتابخانه را من مجدد کاربریش را اتاق فکر را کردم کتابخانه و اتاق فکر همزمان باهم که شروع کردیم دوباره کل کتاب ها رو از اول تقسیم بندی کردیم بعد کمدهای دیواری درست کردیم طبقه دوم یک کتابخانه و اتاق فکر و اتاق آرامش که خانم سلیمانی ایجادش کرد همزمان برای بچه‌ها گذاشتیم که بچه‌ها برن از این کتابخانه بالا استفاده کنند و محیط خوبی هم شده یه جای جمع و جور همه ی کتاب ها رو جمع کردیم و به غیر از اون به همه همکاران هم گفتیم که تو کمدهاشون یه فایل برای کتابخانه کلاسی داشته باشند یعنی بچه‌ها تو بحث درسی و کلاسی بتونن از کتابخانه کلاسی استفاده کنند در کنار اون کتابخانه مدرسه ای هم راه انداختیم.

بسیار عالی داشتین از ویژگی‌ها می‌گفتین اینکه آدم چند بعدی باشه به یادگیری آشنا باشه و فضای فیزیکی رو بفهمه ویژگی دیگه‌ای می‌تونین بهش اضافه بکنین چی بهشون قدرت میده که بفهمن ممکنه بفهمن توانایی درکش هم داشته باشند ولی اجرا نتونن بکنن در عمل

یکی از بزرگترین مشکلاتی که در حال حاضر ملزوماته مشکل دوم ارتباط با اولیاست چون ما الان با توجه به اینکه روی پای خودمون و بودجه از خودمون نیست اولین نقطه‌ای که باید وصل بشیم اولیا هستند یعنی باید نظر اولیا را جلب کنیم تا بتونیم یه کاری انجام بدیم اگر نظر اولیا جلب نشه اون کار اصلاً خراب میشه خیلی از مدیرا اصلاً نمی‌تونن ارتباط بگیرن با اولیا در انجام کارهاشون هم می‌مونند و بحث دوم این هست که ثبات مدیریتی است یعنی مدیر می‌خواد کاری انجام بده توی محیط باید ثبات برای من حداقل من شنیدم که تو یکی دوسال خیلی از مدیرا رو جابجا کردن مثلاً وقتی مدیری میاد می‌خواد یک طراحی انجام بده یه برنامه طولانی مدت می‌خواد بلند مدت می‌خواد میان مدت می‌خواد باید بیای به محیط مدرسه به امکانات مدرسه به نیروی انسانی و فضای فیزیکی و آن توانایی که می‌تونی تو اینجا انجام بدهی خودش یک سال دو سال زمان می‌بره جا بیفتی اولیا تو را بشناسند اعتماد اولیا چون یکی از مهمترین نکاتی که هست همین اعتماد اولیاست اولیا تو را بشناسند آشنا بشن معلما تو را بشناسند آشنا بشوند شما معلما رو بشناسید از لحاظ فیزیکی مدرسه رو درک کنید بعد از این آشنایی و درک کردن چون ما در بحث مدیریت یه نظریه داریم به نام پنجره جوهری نمی‌دونم بلدین یا نه تو این پنجره جوهری شما باید از نقطه کور باید بیایید برسید به نقطه آشکار خوب این زمان می‌برد یک مدیر از نقطه کور محل کارش بیاید برسد به نقطه آشکار خوب این نقطه آشکار وقتی هست که همه چیز را متوجه شدید اون موقع تازه باید شروع کنی به کار چون اول باید آشنایی صورت بگیرد محیطت را بشناسی اولیا رو چه کاری را شما انجام بدهید چون ما در خط مشی گذاری و تصمیم گیری یکی از کارهایی که برامون حائز اهمیت هست این هست که شما اون خط مشی گذاری که کردید نیروی انسانی هم با شما همسو باشند شما یک خط مش گذاری کنید نیروی انسانی با شما همسو نباشد انجام نمیدهد و تغییراتی که شما انجام دادید نیروی انسانی صفرش می‌کند شما هرچی تلاش کرده باشید وقتی میاد برسد به نیروی انسانی وقتی با تو همسو نباشد مثل همین اتاق فکری که خانم سلیمانی تو ذهنشون بود ولی همکارا باهاش همسو نبودند این فایده ندارد چون در نهایت نیروی انسانی تو باید این را عملی کند دیگه به نظر بنده یکی از مهم‌ترین و حائز اهمیت‌ترین کارها این هست که وقتی اداره مطمئن میشود که نیرو نیروی توانمندی هست و بهش اعتماد کند و بهش فضا بدهد و قدرت بدهد بتواند ۴ سال ۵ سال تو مدرسه کار کند بعد مدرسه میرود به سمت شکوفایی و کارهای خلاقانه وقتی مدیر یک ساله دو ساله سه ساله جابجا میشود درگیر نگاه‌ها و نگرش‌های مختلفی در اداره دلسرد می‌شود و دیگه کار انجام نمی‌دهد

فضای پیرامون مدرسه رو تو محله چقدر نسبت بهش آشنایی دارین؟

یکی از کارهایی که باید اتفاقاً انجام بدهیم این هست که چه در فضای پیرامون چه در بحث آموزش میگوییم یکی از عوامل تاثیرگذار در آموزش فضای پیرامون است که حالا بگوییم تاثیر مستقیم نداشته باشه تاثیر غیر مستقیم دارد مثلاً وجود کار در دور و اطراف مدرسه فضای فیزیکی که هست حالا این می‌تونه خطر و تهدید باشد یا قدرت باشد برای مدرسه مهم است که ببینیم به چه نحوی است، سرای محله‌ای که بتوانی ازش استفاده کنی یا سالن های اجتماعاتی که هست یا فضاهایی که بتوانی در کارهای محوری یا حل مسئله یا گردش های علمی که برای بچه‌ها ازش استفاده کنی شناسایی کنی حائز اهمیت است برای مدارس. خوشبختانه اینجا دور و اطراف ما فضای خوبی است که بتوانیم استفاده کنیم هم از سرای محله‌ها هم از مساجد و هم بحث گردشگری چون ما اردوی گردشی برای آموزش بچه‌ها خواهیم داشت میشود ازشون استفاده کرد.

در شرایط فعلیشون مناسب می‌دونید به عنوان یک فضای یادگیری؟ یا فکر می‌کنید باید تغییراتی در آن لحاظ بشود؟ در همین فضاهایی که نام بردید مثل فضای سرای محله ها فرهنگسراها و پارک‌ها... برای اینکه آماده بشه و بتوانید ازش استفاده بکنید؟

ما بنا به آن ساعت و آن مقدار کارهایی که بخواهیم از محیط بگیریم قبلش می‌رویم می‌بینیم هم محیط را می‌بینیم بعد نظراتمون رو و ذهنیتمون رو آنجا رو پیدا می‌کنیم یعنی اگر از سرای محله بخواهیم استفاده کنیم ایده ای داریم اگر بخواهیم کاری انجام بدهیم قبلش می‌رویم با آنها صحبت می‌کنیم میگوییم آقا ما می‌خواهیم از محیط شما این استفاده را بکنیم این کارها و برنامه ها را داریم همکاری باید با ما انجام بدهید اگر راغب به همکاری بودند که از آنها همکاری می‌گیریم اگر نبودند که خب نگاه میکنیم اگر به نفع بچه‌ها باشد استفاده میکنیم اگر نباشد نه

مثلاً فضای پارک‌ها یک‌ ایده ای که می‌شود حالا داشت حالا البته موانع ممکن است وجود داشته باشد تو پارک نزدیک مدرسه باشه یک بخشی از آن در اختیار مدرسه باشد فکر می‌کنی این چنین امکانی می‌تواند فرصت باشد و یعنی اینکه هم بتوانید به صورت مداوم به صورت یک باغچه استفاده بکنید؟

حالا بعضی از شهرداری‌ها آمدند یه بخش از بعضی از پارک‌ها را برایش بخش گیاه شناسی گذاشتند و پرورش گل و گیاه دارند ما با شهرداری‌ها هماهنگ می‌کنیم و می‌رویم بچه‌ها در بحث گیاه شناسی توی محیط هم قرار می‌گیرند معمولاً این محیط‌ها به صورت بسته هم هستند که می‌آیند اونجا بچه‌ها همه گل و گیاه‌ها را انواع ریشه‌ها و انواع دانه‌ها را یاد می‌گیرند و در نهایت هم از طرف شهرداری به بچه‌ها گل و گیاهی هدیه می‌شود که با خودشان می‌آورند یا هزینه‌ای باشه یا رایگان باشه میدن بهشون ما هر ساله این قضیه را تجربه می‌کنیم تو بحث گل و گیاه بچه‌ها را می‌بریم

این‌ها در قالب یک اردوی یک روزه است اینکه به صورت مداوم باشد مثلاً اینکه بچه‌ها بتوانند؟

فکر کنم این شدنی نیست مگر اینکه شهرداری‌ها با مدارس همسو باشند و بنشینند برنامه‌ریزی کنند نگاهشون نزدیک به هم باشد که نیست

وخب فکر کنم که دست و پای مدارس هم در بیرون بردن بچه‌ها بسته است

خیلی ، خیلی ها از اتفاقاتی که در اردوها می‌افتد واهمه دارند مثلاً خدایی نکرده یک اتفاق برای بچه‌ها رخ بده باید پاسخگو باشیم در نهایت جواب صفر و صدی اتفاقات با مدیر هست

فکر می‌کنیم اگر برای همین استفاده‌هایی که شما می‌فرمایین و الان امکان استفاده‌اش هست مدیر چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد که بتواند این استفاده را از امکانات محله بیشتر داشته باشه؟

اول اینکه مجوزها باید باشه برای استفاده از اماکن مختلف قبلاً باید بالادستی به ما مجوز بدهد بعد پایه و اساس کار را درست کنند تا مدیر بتواند ازش استفاده کند چون در نهایت باز برمی‌گردد به اینکه مدیریت مدارس متمرکز از بالا باید دستورالعملی باشد زمینه را باید بالادستی‌ها فراهم کنند و الا مدیر به تنهایی نمی‌تواند مستقیم برود ورود پیدا کند و قرارداد ببندد صحبت کند برای بچه‌ها در نهایت اتفاقی بیفتد باید به بالادستی جواب بده هر چقدر هم هدف هدف خوبی باشد اگر یک درصد مشکلی هم پیش بیاید مدیر باید در نهایت پاسخگو بالادستی ها باشه

برای همین‌ها مدیرها اجتناب می‌کنند؟

آره دیگه اختیار صفر و صدی ندارند اگر ۵۰ درصد هم اختیار داشته باشن اون هم نیست من فکر کنم که اختیار مدیرها ۷۰ به ۳۰ است بیشتر طراحامون، ما توی بحث مدیریت ها انواع را داریم، بعضی از مدیریت‌ها مهندسی هستند بعضی از مدیریت‌ها طراحی هستند بعضی از مدیریت‌ها از نقطه صفر هستند بنا بر حیطه ی قدرتی که دارند مثلا در بحث مهندسی مدیر میتوانست از صفر تا صد بکوبد دوباره از اول بسازد مدیریت می‌تواند دخیل کند همه پیرامون را و همه محیط را همه ی کار ها را اختیار دارد ولی در طراحی مدیر می‌تواند فقط به صورت ساختاری تغییر و جابجایی بده اختیاری بالاتر از این ندارند

این را متوجه نشدم بیشتر توضیح بدهید این سه تا محلی که فرمودید چی هستند؟

ما در مدیریت‌ها انواع مدیریت‌ها را داریم دیگه یک نظریه است می‌گویند یک مدیر در بحث مهندسی مجدد می‌تواند کل یک بنا را آنقدر اختیار و قدرت دارد صفر بکوبد از اول شروع کند هم در فیزیکی اختیار دارد هم در ساختاری هم در طراحی در همه ی اینها اختیار دارد این‌ها را مثلاً خیلی از مدیران مدیران شرکت نفت یا مدیران جاهای دیگر که اختیار صفر تا صدی کامل دارند که هر کاری دلشان بخواهد می توانند انجام بدهند مثلاً یک سری از مدیران از نقطه صفر هستند مثلاً می‌آیند ادامه کار مدیر قبلی را انجام می‌دهند و باز هم اختیار دارند و می‌توانند خیلی چیزها را تغییر بدهند و خیلی چیزها را بسازند یک سری مدیران که مدیرهای فقط طراح هستند یعنی ساختار را می‌توانند تغییر دهند در هیچ جای دیگر دست نمی‌توانند ببرند. ما حتی تامین نیروی انسانی مان هم از بالادستی است یعنی معلمان را نیروی کارگزینی به ما می‌دهد ما خودمان نمی‌توانیم دخیل باشیم که این معلم رو می‌خوایم یا نمی‌خوایم مثلاً برای مثال همین امسال ما گفتیم این معلم به درد ما نمی‌خورد گفتن نه تصمیم ما این هست نگاه ما این هست که این معلم باید باشد یک معاون به درد من نمی‌خورد می‌گویند نه باید باشد یا خب دیگه خیلی چیزهای دیگه ای که شما خودتان تا آخر آن بخوانید

متوجه هستم فقط تو این موندم که چطور اسم چنین موقعیتی را می‌گذارند طراحی وقتی اختیاری نیست انگار یک سری مواد اولیه رابه شما میدن و می‌گویند با همین‌ها چیزی بساز

آره به خاطر همین‌ها خلاقیت‌ها خیلی کم هست خیلی انگشت شمار هست و خلاقیت وقتی رخ می‌دهد اگر تو مدیری این اتفاق افتاد یک اینکه مدیر مثلاً بعضی وقت‌ها بعضی مدیرها از طرف اداره حمایت می‌شوند تاثیر نداره آن کاری که انجام می‌دهد می‌توانسته است در تک ستاره‌ای بدرخشد تو اون دوره

چه می‌شود که اینطوری است؟

بعضی وقت‌ها ببینید ما هردو سال سه سال کل اداره ما جابجا می‌شود افراد و نفرات اداره شما از بالا تا پایین اتوبوسی همه عوض میشن بعد حالا مونده این افرادی که میان در اداره با شما همسو باشند نگاهشان با شما و خط و مشی شان با شما یکی باشد خط و مشی شان یکی نباشد شما را قبول داشته باشند یا نداشته باشند

چشم اندازتان در مدرسه و فقط در قلمرو مدرسه چیست؟

ایجاد محیط خوب محیط فقط محیط فیزیکی نیست. میتواند معذورات محیط فیزیکی نیروی انسانی باشد می‌تواند محتوا باشد می‌تواند فضای فیزیکی مدرسه باشد می‌تواند بحث فرهنگ سازمان آن مدرسه باشد میتواند جو آن مدرسه باشد همه این‌ها می‌تواند منجر به یک محیط خوب باشد که اگر بتوانید این کار را انجام بدهید شما یک محیط خوب داشته باشید و جو سازمان تون جو مدرسه تون خوب باشد شاداب باشد شادابی مدرسه و شادابی دانش آموز برمی‌گردد به محیط مدرسه به اولیا مدرسه به کادر مدرسه و همه این‌ها دخیل هستند باهم که شما بتوانید یک محیط خیلی خوب داشته باشید و این اتفاق خوب خواهد بود در بحث آموزش و یادگیری ناخودآگاه انجام می‌شود.

تعاملتان با اولیا چطور است؟

اینجا که ما اولش آمدیم همه اولاً گارد دارند وقتی نمی ‌شناسند تو را و می‌خوای هدف‌هایت را انجام بدهی همه نسبت به نظرت یک ذره مخالفت دارند اولاً که اداره باید با شما همسو باشد و حمایتت بکند تو نظراتی که می‌خواهی بدهی و قبولت داشته باشد که اولیا قبولت داشته باشند الان خوبند ولی سال اول که آمده بودیم یه ذره گارد زیاد بود ولی خب الان همکاری می‌کنند یواش یواش دارند پا پیش می گذارند جلو میایند باهامون همسو هستند دعوت‌هایی که می‌کنیم میان شروع می‌کنند همکاری می‌کنند و خوب است به نظر پنجاه پنجاه است تا بیایی برسی به آن صدی که مورد نظرمان هست نسبت به اولیا، من در مدرسه قبلی تا اعلام می‌کردم خود اولیا می‌آمدند صفر تا صد کار را انجام می‌دادند فقط ما طراحی می‌کردیم نقشه راه را به آنها نشان می‌دادیم خودشان انجام می‌دادند اینجا باید خودت دنبال همه کارها بیفتی

سوال معماری؟

با توجه به اینکه بچه‌ها نصف بیشتر زندگی‌شان را در مدارس می‌گذرانند باید مدارس محیطی باشند که هم در آن آرامش باشد هم در آن لذت ببرند و هم تمام امکاناتی که یک انسان برای آموزش و فراهم شدن آموزش لازم دارد را در آن محیط داشته باشد، از جمله این مدارس ما شده فقط محیط‌ آموزشی میز نیمکت و کلاس هیچ محیط ورزشی در مدارس ساخته نمی‌شود شما اگر یک بازبینی در مدارس بکنید در کشورهای دیگر می‌بینید که در همه محیط‌های آموزشی سالن‌های استخر سالن‌های فوتبال سالن‌های بدنسازی سالن‌های ورزشی مختلفی که بچه‌ها به غیر از آموزش درسی مهارت‌های ورزشی دیگر هم یاد می‌گیرند در کنار این سالن‌ها مهارت‌های دیگر و سالن‌های دیگر و امکانات دیگر برای بچه‌ها فراهم می‌کنند که به غیر از درس بتوانند مهارت های اجتماعی و مهارت‌های زندگی و...... مهارت‌های مختلفی در همان محیط مدرسه براشون فراهم می‌کنند با طراحی‌های ساختمان و طراحی‌های آموزشی که در ساختمان انجام می‌دهند این امکانات برای بچه‌ها فراهم می‌شود که آموزش‌ها صورت بگیرند ولی متاسفانه ما محیط‌های آموزشی‌مان میز و نیمکت و کلاس است یعنی هیچ امکانات دیگری برای زندگی کردن در این محیط فراهم نیست من همیشه در جلساتم به اولیا می‌گویم که بچه‌ها به مدرسه می‌آیند فقط برای درس خواندن نمی‌آیند برای زندگی کردن باید به مدرسه بیایند می‌گویم مدرسه باید بخشی از زندگی‌شان باشد که بتوانند در آن زندگی لذت ببرند یکی از کارهای دیگری که می‌شود در محیط آموزشی انجام داد فراهم کردن فضای سبز در محیط آموزشی مدارس متاسفانه حالا همه محیط آموزشی تخته و نرده و آهن و این گونه امکانات است یعنی هیچ فضای فیزیکی فضای سبز دیگری نیست که بچه برود در آن محیط قرار بگیرد و لذت ببرند خود این فضای سبز می‌تواند در آرام بخشی و لذت بردن بچه‌ها از محیط و هم خو شدن بچه‌ها با محیط سبز و فضای سبز تاثیرگذار باشد.

یعنی همین کلاس‌های درسی که الان وجود دارند برای بحث آموزش فقط خوب است؟

در مدارس ما فقط یادگیری است یادگیری هم نمی توان به آن گفت یادگیری توضیح خیلی بزرگ‌تری دارد فقط ما سری دوزی می کنیم در مدارس فقط کارمان شده ریاضی علوم فقط کارمان شده که شفایی یاد بدهیم فقط روخوانی است ما در بحث یادگیری یاددهی در بحث علوم خودش شش هفت تا مرحله است اول مثلا می گویند... اگر ذهنم یاری کندمرحله اول خواندن است مرحله دوم درک و فهم به کار بستن تجزیه تحلیل ترکیب هست ارزشیابی هست که ما هیچ کدام از این‌ها را انجام نمی‌دهیم همه در مراحل اولیه هستیم مرحله اول دانش که الان به ذهنم رسید انجام می‌دهیم بعد هیچ تغییری هم در آموزشمان نداریم در همین ۳۰ ۴۰ سال همان رویه خواندن خواندن خواندن را ادامه می‌دهیم.

فکر می‌کنید شما انگیزه لازم را دارید که بیایند بگویند که می‌خواهیم یک مدرسه ای را طراحی بکنیم و از اول آن نقشه معماری و طرح آن را بخواهیم بکشیم آیا شما انگیزه لازم را دارید که وارد تیم طراحی شوید؟

خیلی وقت‌ها تلاشم اصلاً من سر این قضیه جنگیدم با مقاومت افراد اداره و سازمان مواجه شدم یعنی نگذاشتند یا از روی ترسشان بوده برای مثال همین امسال من رفتم با شهرداری‌ها و فرهنگسراها قرارداد بستم تا یک سری امکانات برای بچه‌های مدرسه بیاورند سالن تیراندازی فراهم کنیم بعد سالن‌های مجزای دیگری مثلاً سالن بسکتبال و... طراحی کنیم حتی آمدند گفتند ما بودجه هم می‌دهیم ما خودمان انجام می‌دهیم شما فقط اینجا مدیریت کنید یعنی خود اداره آموزش و پرورش مقاومت کردند و.. و هزار تا کار بروکراسی و نمی‌شود اتفاقی می‌افتد و مشکل پیش می‌آید آخرش هم با هزار نه و اما و اگر..... متاسفانه نمی‌گذارند در سازمان بروکراسی ما مقاومت می‌کنند حالا نمی دونم یا عامدانه است یا غیر عامدانه است متاسفانه این امر محقق نمی‌شود.

شما خودتان در واقع کدام توانایی‌ها را دارید فکر می‌کنید که مدیران چه توانمندی لازم دارند تا بتوانند وارد این کار را انجام بدهند جدای از اینکه آموزش و پرورش اجازه نمی‌دهد مرحله قبلش را که ورود می‌کنید در بحث طراحی و گفت و گو و... ؟

در بحث مدیریت ما دو نوع مدیریت داریم مدیریت ژاپنی داریم مهندسی مجدد طراحی مهندسی مجدد مدیران اختیار تام دارند یعنی یک بنا را از صفر می‌توانند طراحی کنند بازسازی کنند درست کنند در طراحی مجدد فقط می‌توانند الگوریتم را به هم بریزند یعنی چارت سازمان را هیچ کار دیگه‌ای نمی‌توانند انجام بدهند متاسفانه مدیریت‌های ما در مدیریت طراحی مجدد مهندسی نمی‌توانیم بکنیم نمی‌گذارند اختیارش را نداریم و الا یک مدیر مدرسه با توجه به تجربیات و نیازهایی که از بچه‌ها دیده است می‌تواند خیلی کمک بسزایی فضای ساختمان‌ها داشته باشد مثلاً الان ما خیلی از این ساختمان‌ها و بناها را که الان من می‌روم و می‌بینم می‌آید انجام می‌دهد مدیران که می‌آیند در جلسات صحبت می‌کنند خیلی از مشکلات عدیده‌ای که مثلاً یکی از جدی‌ترین و کوچک‌ترین چیزهایی که باید در بخش کلاس در نظر داشته باشیم تهویه هوای مناسب حتی آن هم دیده نمی‌شود الان نوسازی در کلاس‌هایی که می سازیم و ما می‌رویم می‌بینیم که اصلاً تهویه هوای مناسبی ندارد کلاس را ساختند اصلاً جای کولر جای تهویه هوا هیچی نگذاشتند یک فضای فیزیکی صرفاً خشک ساختن تحویل دادند به قولاً از سرشان باز کنند رفع تکلیف بکنند، آفرین رفع تکلیف بشود یعنی ننشستند به یک کاری، مدرن و بنا به نیاز بچه‌ها مثلاً بیان بسازن بیایند ببینند نیازهای بچه‌ها چیست با توجه به اینکه تمام ساختمان مثل قوطی کبریت است بچه‌ها فضایی ندارند برای ورزش فضایی ندارند برای فعالیت این را طراحی مدارس ببینند بعد خیلی از ساختمان‌ها ببخشید در خانه‌ها خانه‌های ویلایی بود باغچه داشت باغ داشت درخت داشت بچه‌ها همه چیز را می‌دیدند الان این‌ها اصلاً دیده نمی‌شوند بیایند این‌ها را در مدارس طراحی کنند که بچه ها در این فضاها قرار بگیرند آشنایی با حیوانات مختلف و ... می‌تواند در مدارس ببینن هیچ کدام دیده نمی‌شود همین رفع تکلیف است برای رفع تکلیف یک ساختمان ساخته می‌شود که ۴۰ تا ۵۰ تا ۱۰۰ تا 200 بچه بریزند که فقط بشینن پشت میز نیمکت‌ها از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۱۲ به نظر من بیشتر وقت تلف کردن بچه‌ها با توجه به اینکه خیلی از درس‌ها خیلی از کتاب‌ها با نیازهای امروزی بچه‌ها همخوانی ندارد اصلاً خیلی از معلمان واقعاً با نیازهای امروزی بچه‌ها آشنا نیستند یا اگرآشنا هستند دستشان بسته است و نمی‌توانند کاری بکنند حالا شما بنا به تحقیقی که انجام می‌دهید واقعاً طراحی فضای آموزشی ما هم مشکل دارد الان مشکل اولیه ما این است که فضای آموزشی نداریم در مناطق ۲۲ یکی از مشکلاتی که الان وجود دارد خیلی از سازنده‌ها می‌آیند سازه‌های خیلی حجیمی می‌سازند ولی فضای آموزشی و محیط آموزشی نمی‌سازند الان وقتی مراجعه می‌کنیم مدرسه الان ما در قرن ۲۰۲۲ هستیم چه جوری با اینکه می‌گوییم بچه‌ها کم شده تعداد دانش آموز کم شده محیط آموزشی چرا اینقدر تراکم دارد وقتی ما توضیح می‌دهیم و می‌گوییم می آیند برج سازی می‌کنند انبوه سازی می‌کنند طرف ۲۰۰۰ ساختمان می‌سازد ۳۰۰۰ ساختمان می‌سازد ولی مدرسه نمی‌سازد مدرسه مال همون 20 سال پیش 30 سال پیش هست این مشکلات پیش می‌آید

**خیلی ممنونم از شما آقای اولاد حمزه ...**